

Business actors in armed conflict: towards a new humanitarian agenda

فعالان تجاری در مخاصمه مسلحانه:

بسوی یک برنامه‌ی کاری بشردوستانه‌ی جدید^۱

هوگو اسلیم^۲

چکیده:

هدف این مقاله ارائه یک بررسی در خصوص فهم اخیر قواعد مختلف فعالان تجاری در مخاصمه مسلحانه است. این مقاله بدنال گسترش بحث تجارت و مخاصمه در جنگ‌های داخلی امروزه و بحث‌های مهم حقوق بشردوستانه، حقوق بشر و سیاست گذاران سازنده حقوق بشر است. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه فهم حقوق بشردوستانه از نقش‌های تجارت، ورای برخی کلیشه‌های ساده و بطور گسترده منفی در رابطه با تجارت پیچیده در مخاصمه، پیشرفت کرده است. پس از آن، مقاله به تفاوت‌های مهم فعالان تجاری که تجربه آن‌ها را در مخاصمه مسلحانه تأیید می‌کند، نگاه می‌اندازد. در مقاله پیشنهاد می‌شود که شش نقش بالقوه برای تجارت در مخاصمه مسلحانه وجود دارد- که آن قربانی، فاعل اصلی جرم (مرتکب)، ارائه دهنده، فعالان بشردوستانه، صلح آفرینان و ممانعت‌کننده از مخاصمه است. در آخر، مقاله طیف وسیعی از راه‌ها را به منظور توسعه سیاست بشردوستانه به منظور آن که فعالان بشردوستانه با تجارت بصورت فعالانه و مناسب تر در حقوق، کمک تجاری و تداوم تجاری، مشارکت داشته باشند پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: تجارت، مخاصمه مسلحانه، فعالیت بشردوستانه، صلح سازی، کمک تجاری و تداوم تجاری.

^۱ برگردان به فارسی: زهرا مشرف جوادی

^۲ Hugo Slim, Dr Hugo Slim is a Senior Research Fellow at the Oxford Institute of Ethics, Law and Armed Conflict at the University of Oxford, and has advised several companies on human rights and conflict resolution including Rio Tinto, G4S, and BP.

طبیعتاً هانری دونان، مؤسس صلیب سرخ به عنوان یک بشردوست بزرگ شناخته می‌شود. فعالیت بشردوستانه شخصی وی در جنگ سولفورینو و تجلیش (epiphany) بعد از این واقعه در رابطه با نیاز به یک سازمان بین‌المللی جدید هم‌اکنون بصورتی پایدار در تاریخ تأسیس بشردوستانه جدید جای گرفته است.^۳ اما، دونان به منظور آغاز یک سازمان جهانی بشردوستانه تعمداً به سولفورینو نرفت. در حقیقت وی به سولفورینو برای تجارت رفته بود و به سرعت و شاید به شدت به دنبال ملاقات با ناپلئون سوم به منظور تأیید برای یک امتیاز جدید زمین بود که مربوط به یک آبشار برای آبیاری زراعت در حال خشکسالی خود در الجزایر بود.^۴ این امر ممکن است بشردوستان را به مشارکت مطمئن با تجار تشویق کند. مؤسس جدید ما یک تاجر است. اگر چه در همه جنبه‌ها، او آنچنان تاجر خوبی نبود.^۵

این مقاله سیاست‌گذاران بشردوست و متخصصان را به سمت درک بیشتر از قواعد تجارت و فعالان تجاری در مخاصمه مسلحانه، که معمولاً موردی در زمره‌ی سازمان‌های بشردوستانه بوده‌اند، تشویق می‌کند. مقاله بطور خلاصه بحث دانشگاهی و فعال در مورد تجارت و مخاصمه مسلحانه را در طول ۲۰ سال گذشته بررسی می‌کند و بر اقتصاد جنگ و بطور گسترده نگاه منفی تجارت به عنوان یک دلیل جدید توجه و تمرکز خاصی دارد. به نگاه‌های متنوع‌تر از تجارت که در سال‌های اخیر شکل گرفته است نزدیک می‌شود؛ سپس، مقاله اشاره می‌کند که سیاست‌گذاران بشردوستانه ممکن است از شناسایی تنوع تجارت در جوامع جنگ زده و شش نقش اصلی که توسط تجارت در مخاصمه ایفا می‌شود، سود برند. سرانجام، مقاله بطور آزمایشی چهار شیوه‌ای را معرفی می‌کند که در آن فعالان بشردوستانه می‌توانند مشارکت بهتری با تجارت در مورد منافع افراد غیرنظامی که در آن تجارت کار می‌کنند یا برای امرار معاش و زندگی خود در طول مخاصمه مسلحانه بدان وابستگی دارند، داشته باشند.

تجارت و جنگ:

ارتباط میان تجارت و مخاصمه مسلحانه قدیمی و پایدار است. در تاریخ بشر، کالاها درست همان اندازه که با تجارت تأمین می‌شدند با خشونت نیز تأمین می‌شدند. نیروی نظامی معمولاً از بازرگانی حمایت می‌کرد و فرصت‌های تجاری و بازارهای جدید را گسترش می‌داد. پادشاهان، کشورها، فرماندهان همگی به تجارت برای تأمین مالی

³ See Henry Dunant, *A Memory of Solferino*, originally printed by American Red Cross, 1959, reprinted by ICRC, Geneva, 2009.

⁴ Caroline Moorehead, *Dunant's Dream: War, Switzerland and the History of the Red Cross*, Harper Collins, London, 1998, pp. 6–7.

⁵ Francois Bugnion, 'Henry Dunant', in David Forsythe (ed.), *Encyclopedia of Human Rights*, Oxford University Press, New York, 1996, p. 70.

جنگ‌هایشان احتیاج داشتند. البته، خود جنگ در درجه اول به عنوان یک فعالیت تجاری بدلیل آزادی منحصر به فردی که جنگ برای غارت کردن ارائه می‌کرد و به دلیل بازارهای سیاهی که جنگ برای کالاهای کمیاب ناشی از جنگ ایجاد می‌کرد، توسط بسیاری از سربازان شناخته شده است.

مانزونی، در رمان معروف خود ۱۸۲۷، *I Promessi Sposi*، رفتار و انگیزه‌های سربازان غارتگر والن اشتاین^۶ را زمانی که آن‌ها ۲۰۰ سال قبل، در طی جنگ سی ساله به سمت مانتوا حرکت کردند توضیح می‌دهد:

زمانی که آن‌ها به روستای مشخصی برای غارت کردن رسیدند، مردها بسرعت در روستا پخش شدند و وسایل غارت شده را در ساک گذاشتند. هرآنچه که می‌توانست مصرف شود، یا حمل شود در یک لحظه از میان رفت و هرچیز دیگر خراب یا نابود شد، مبلمان تبدیل به هیزم شد و کلبه‌ها اصطبل شدند. آن‌ها هر مخفیگاه از خانه‌ها را جستجو کردند، دیوارها را فرو ریختند و ساختمان‌ها را خراب کردند و به سرعت حفره‌هایی که در باغ‌ها ایجاد شده بود را شناسایی کردند تا مکان‌هایی که مردم اشیاء با ارزش خود را در آن پنهان کرده بودند، بیابند. مردم را شکنجه می‌دادند تا به آن‌ها مکان‌هایی که اشیاء را پنهان کرده بودند بگویند.^۷

توضیحات مانزونی با سودبری غارتگران نظامی از هزاران هزار جنگ در تاریخ بشر سازگار خواهد بود، اخیراً بوسنی و هرزه گوین، جمهوری دموکراتیک کنگو، سیرالئون و لیبی نمونه‌هایی از این سودبری است.

جنگ می‌تواند برای تجارت قانونی و قابل احترام نیز مفید باشد. بزرگ مرد فرانسوی، ولتر اغلب به بشردوستی برای عبارات ضد جنگ بی‌انتهای خود در کتاب *Candide* و کمپین‌های ثابت حقوق بشرش علیه دادگاه‌های ناعادلانه، شکنجه و مجازات اعدام شناخته می‌شود. لیکن علاوه بر هوش سیاسی و هنری، ولتر همچنین از نظر تجاری هم باهوش بود. از سال‌های اولیه، وی ثروت عظیمی نه از طریق نوشتن و نمایشنامه، بلکه در درجه اول بخاطر معاملات تجاریش کسب کرد. نخستین ثروت ولتر، با جمعی از دوستان مدرسه که بر روی یک قاعده کار می‌کردند که با آن قرعه کشی پاریس را می‌بردند؛ ایجاد شد. دومین ثروت آن، از طریق تجاری ایجاد شد که لباس‌هایی را برای نظامیان فرانسوی فراهم می‌کرد.^۸

ولتر بطور قانونی از چیزی بهره مند شد که پژوهشگران آن را «اقتصاد جنگ» می‌نامند. مطابق نظر لو بیلون، «این یک نظام فراوردن، تجهیز کردن و اختصاص دادن منابع برای تداوم خشونت است.»^۹ پدیده ای است که ارتباطی فراوان با احکام حقوق بشردوستانه و عمل اقدام بشردوستانه دارد. حقوقدانان بشردوستانه، در باب تضمین حقوق و

⁶ Wallenstein was a militarily and commercially successful Bohemian commander who funded his own private army, which he put at the service of the Habsburg Emperor, Ferdinand II.

⁷ Alessandro Manzoni, *The Betrothed [I Promessi Sposi]*, (trans. Bruce Penman), Penguin Kindle Edition, London, 1983, p. 532.

⁸ Ian Davidson, *Voltaire in Exile*, Atlantic Books, London, 2004, p. 4.

⁹ Philippe Le Billon, *Geopolitics of Resource Wars: Resource Dependence, Governance and Violence*, Frank Cass, London, 2005, p. 288.

وظایف فعالان تجاری در جنگ نگران هستند و به فهم آن که چه زمان فعالیت تجاری تحت حقوق بین الملل بشردوستانه قانونی یا غیرقانونی است احتیاج دارند. تجارتها تحت حقوق بین الملل بشردوستانه در محاصره مسلحانه حمایت می‌شود، مگر زمانی که آنها در نقش‌هایی مثل تولید سلاح مشارکت کنند که این امر آنها را هدف نظامی مشروع قرار می‌دهد.^{۱۰} اما تجارتها نیز ملزم به این شده‌اند که در نقض‌های حقوق بین الملل بشردوستانه بطور مستقیم و غیرمستقیم مشارکت ننمایند.^{۱۱}

در جنگ‌های داخلی سال‌های اخیر، مسائل در رابطه با تجارت در محاصره برای نقشی که منافع تجارت در ایجاد و حفظ محاصره مسلحانه بازی می‌کند، به درستی فراتر از رفتار تجارتها در جنگ افزایش یافته است. محققان و سازمان‌های مردم نهاد مقدار زیادی از تحقیقات را در خصوص درک آنکه چگونه تجارت انواع گوناگون الگوهای شدید جنگ را هدایت و شکل می‌دهد، انجام دادند.^{۱۲} در دهه ۱۹۹۰، تحقیق در این زمینه این بینش را بالا برد که بسیاری از جنگ‌های داخلی اخیر به همان اندازه که توسط مسائل سیاسی ایجاد می‌شوند توسط مساله تجاری نیز شکل می‌گیرند.^{۱۳} به عبارت دیگر، جنگ به همان اندازه که می‌تواند سیاسی باشد، اقتصادی است.

فعالان سیاسی - مانند گروه‌های نظامی دولتی و غیردولتی - در درجه اول می‌توانند یک نقشه اقتصادی داشته باشند که آنها از خشونت و سیاست برای بدست آوردن آن استفاده می‌کنند یا ابتدا نقشه سیاسی داشته باشند که متوسل به خشونت می‌شوند تا ضرورت‌های اقتصادی را برای تأمین مالی آن به کاربرند. طرف‌های جنگ ممکن است زمین و منابع مناسب را برای چند امر مهم بخواهند یا در بیشتر درگیری‌های اجتماعی ممکن است در جستجوی دستیابی دوباره به منابع طبیعی به نفع اکثر مردم در برابر بخش اندکی از جامعه باشند. در هر مورد، چه به عنوان نیروهای نظامی ملی، چه پارتیزانی به تجهیز مالی حداقلی برای نیروهای خود نیازمندند. منابع اقتصادی هرگز تمامی داستان رقابت سیاسی نیستند بلکه آنها قطعاً در بسیاری از محاصرات مسلحانه، یک مساله‌ی مرکزی هستند، به عنوان مثال، سازمان ملل متحد محاسبه کرده است که در بیش از شش سال گذشته، ۴۰ درصد از

¹⁰ ICRC, Customary International Humanitarian Law, Vol. I: Rules, Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck (eds), Cambridge University Press, Cambridge, 2005, Rule 8, 'Definition of Military Objectives', pp. 29-34.

¹¹ See ICRC, Business and International Humanitarian Law: An Introduction to the Rights and Obligations of Business Enterprises under International Humanitarian Law, ICRC, Geneva, December 2006.

¹² See e.g., David Keen, Useful Enemies: When Waging Wars is More Important than Winning Them, Yale University Press, New Haven and London, 2012, Chapter 2, and Complex Emergencies, Polity, Cambridge, 2007, Chapter 2; Philippe Le Billon, Fueling War: Natural Resources and Armed Conflict, Routledge, London, 2005. See also, the many reports of Global Witness available at: <http://www.globalwitness.org/news-and-reports> (unless otherwise stated all links in this article last visited 20 September 2012).

¹³ Christopher Cramer, Civil War is Not a Stupid Thing: Accounting for Violence in Civil Wars, Hurst, London, 2006; Mats Berdal and David M. Malone (eds), Greed and Grievance: Economic Agendas in Civil Wars, Lynne Reiner, Boulder, 2000.

جنگ‌های داخلی در ارتباط با رقابت‌های مهم برای استخراج معادن و منابع طبیعی از این نوع هستند.^{۱۴} الماس و طلا به خصوص به عنوان عوامل مخاصمه مسلحانه و ابزار تأمین مالی چندین جنگ آفریقایی برجسته بوده است. این امر، منجر به تلاش‌های اصلی صنعت برای پایان دادن به اصطلاح الماس خون شد و تضمین آن که طلا از «عاری از مختصمه» می‌ماند.^{۱۵}

مدافعان بشردوستانه برای یافتن نقطه‌ای که در آن یک مخاصمه عمدتاً اقتصادی یک مخاصمه مسلحانه محض شود، تلاش می‌کنند، یا هنگامی که آن درگیری یک درگیری خشونت آمیز و طولانی پلیسی علیه جرائم سازمان یافته باقی بماند. در برخی از موارد این تشخیص مشکل به نظر می‌رسد. جنگ کنونی مواد مخدر در مکزیک مثالی از این است. این درگیری میان دولت، شهروندان و شبکه‌های جرائم سازمان یافته شدیداً میزان بالایی از مرگ‌های خشونت آمیز را در بسیاری از موقعیت‌هایی که به عنوان مخاصمه مسلحانه محض در نظر گرفته می‌شود، دارد.

پیامدهای بشردوستانه‌ی اقتصادهای جنگ

نگرش‌هایی به منطق اقتصاد جنگ و تمایل آن به سرقت، سلب مالکیت، تخصیص مجدد و جنایت برای علوم سیاسی، جدید نیستند. نظریه‌های مارکسیستی بطور ویژه به مدت طولانی الگوهای خشونت تجمیع اولیه را که دست در دست توسعه سرمایه داری روی داده است مشاهده کرده‌اند. جنگ همیشه راهکار استراتژی اقتصادی و راهی برای انباشت ثروت داشته است. این مساله بطور ویژه در خشونت استعماری صادق است. بانگ شیپور امپریالیسم بریتانیا، «تجارت و مسیحیت» بود.^{۱۶} نخستین شرکت تجارت مدرن جهان کمپانی هند شرقی بریتانیا، ارتش ۲۰۰ هزار نفری داشت که از آن در قتل عام‌ها و جنگ‌های تن به تن استفاده می‌کرد. حقیقتی که به توصیف آدام اسمیت از شرکت به عنوان «انحصار خون آلود» منجر شد.^{۱۷} کار پیشگامی توسط شاهد جهانی (Global Witness)، با مشارکت آفریقا، کانادا و سازمان ملل متحد بر نقش الماس‌ها و مواد معدنی در جنگ آنگولا، سیرالئون، لیبیا و جمهوری دموکرات کنگو در سال ۲۰۰۰ نشان دهنده این است که چگونه منافع تجاری دولت و غیردولتی‌ها

¹⁴ United Nations Inter-Agency Team for Preventive Action, Extractive Industries and Conflict: Guidance Note for Practitioners, UN, New York, 2010, p. 7.

¹⁵ Details of The Kimberly Process on conflict diamonds are available at: <http://www.kimberleyprocess.com/>; details of the World Gold Council's initiative are available at: <http://www.globalwitness.org/news-andreports>, http://www.gold.org/media/press_releases/archive/2012/03/world_gold_council_unveils_latest_draft_of_conflict_free_gold_standard/.

¹⁶ David Livingstone, the famous Scottish missionary explorer of Africa, repeatedly framed his vision of colonial progress as a threefold mission of 'Christianity, Commerce and Civilization', a phrase taken to heart by British imperialists.

¹⁷ Nick Robins, The Corporation that Changed the World: How the East India Company Shaped the Modern Multinational, Pluto Press, London, 2006, see Chapter 6 summarizing Adam Smith's criticism of the company and its monopoly.

که طرف مخاصمه هستند هدف خشونت شدید علیه جمعیت غیرنظامی در اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ را گسترش داده است.^{۱۸}

اقتصاد جنگ در جنگ‌های داخلی، که به ماهیت مخاصمه و اهداف و ظرفیت‌های رزمندگان بستگی داشته، به خود شکل‌های مختلفی گرفته است.^{۱۹} نیلور سه شکل اقتصاد گروه مسلح مخاصمه را مشخص کرده است: درنده، انگلی و استخراجی. در اقتصاد درنده، فعالان مسلح به محل یورش می‌برند و منطقه محلی را غارت می‌کنند و ناتوان از کنترل کامل سرزمین هستند.^{۲۰} در اقتصاد انگلی از خشونت برای کنترل سرزمین استفاده می‌کنند و از طریق مالیات، اخاذی یا برعهده گرفتن کسب و کار که پس از آن یک اقتصاد سایه در کشور است، تجارت انجام می‌دهند؛ در اقتصاد جنگ استخراجی، گروه‌های مسلح بطور خشونت آمیزی مناطق ضروری را که مناسب است، تصرف کرده، کشاورزی سود ده و تجارت مواد معدنی را کنترل می‌کنند. همانطور که جیمی کانه و دیوید کین بیان کرده‌اند، نیروهای دولتی، به علاوه نیروهای شورشی به احتمال زیاد به دنبال اتخاذ چنین فعالیت‌های اقتصادی در جنگ داخلی هستند. مثال‌های مربوطه اخیر، وجود میلیون‌های نظامی در ارتش اندونزی و سربازان شورشی (یا سوبل) دولت سیرالئون است که فعالیت‌های شورشی خشونت باری را برای بهره برداری از فرصت‌های تجاری محلی انجام می‌دادند.^{۲۱} منتقدان حمله عراق بیان کرده‌اند که نفت، ساخت و ساز و قراردادهای خدمت جدید اعطا شده به شرکت‌های بین المللی بعد از تغییر رژیم عراق، نمونه واضحی از بهره ایالات متحده و متحدان آن از اقتصاد مخاصمه مشابه است. فعالان بشردوستانه به شدت به نقش تجارت در جنگ به دلایل گوناگونی حساس هستند:

نخست، بشردوستان به توانایی منافع تجاری برای بروز جنگ و تشویق به یغماگری تجاری، تشویق افراد قوی به استفاده از خشونت علیه جمعیت غیرنظامی برای افزایش سهم بازار خود آگاه هستند.

دوم، بشردوستان باید اثر وحشتناک جنگ بر تجارت‌های محلی و دارایی خانواده که بزودی ناتوان از حفظ معیشت مردم می‌شود را کاهش دهند. زمانی که جنگ کشاورزی کوچک یا کسب و کار تجاری افراد را تخریب می‌کند، به دنبال آن فقر به سرعت می‌آید.

سوم، بشردوستان به درستی در خصوص نقش دوجانبه ای که کالاهای کمکی می‌توانند در اقتصاد محلی بازی کنند، نگران هستند - بطور بالقوه تضعیف بازار توسط نباشت وسایل خاص یا افزایش تورم از طریق تزریق پول جدید در حقوق یا توزیع کمک‌ها.

¹⁸ Investigative research by Partnership Africa Canada and Global Witness, in particular, brought about international political oversight by the United Nations and industry-wide monitoring by the Kimberly Process – a joint government, company, and civil society initiative.

¹⁹ Achim Wennmann, 'Conflict economies', in Vincent Chetail (ed.), *Post-Conflict Peacebuilding: A Lexicon*, Oxford University Press, Oxford, 2009, pp. 74–89.

²⁰ R. Thomas Naylor, *Wages of Crime: Black Markets, Illegal Finance and the Underworld Economy*, Cornell University Press, Ithaca, 2002, pp. 45–47.

²¹ D. Keen, above note 10, Chapter 2; Jimmy D. Kandeh, 'Ransoming the state: elite origins of subaltern terror in Sierra Leone', in *Review of African Political Economy*, Vol. 26, No. 81, 1999, pp. 349–366.

چهارم، بشردوستان بطور طبیعی به خطر اخلاقی و انگیزه تجاری که توسط کمک‌های بشردوستانه می‌تواند ایجاد شود، هشدار داده‌اند. گروه‌های خشونت‌آمیز ممکن است کمک را برای تبدیل آن به مالیات، انتقال آن و یا بطور خشونت‌آمیز پذیرش آن جذب کنند. در این صورت، کمک بخشی از مخاصمه می‌شود و حضور آن می‌تواند خشونت علیه کسانی را که بدان احتیاج دارند افزایش دهد. با این خطر مرکزی در فعالیت بشردوستانه در جنگ به طور کاملاً واقعی توسط سیاستگذاران بشردوستانه‌ای مقابله شده است که هدف آن‌ها حفاظت از فعالیت‌های خود بطور فعال با سیاست «عدم آسیب‌رسانی» یا با استفاده از برنامه ریزی «حساس به مخاصمه» در برابر این خطرات است.^{۲۲}

در آخر، بخش‌های بزرگ جدید اقتصادی توسعه یافته‌اند تا از تجارت و سایر سازمان‌ها در مخاصمه مسلحانه حمایت کنند از جمله، سازمان‌های بشردوستانه، افزایش شدید مقیاس و پوشش سوددهی شرکت‌های امنیتی خصوصی (PSCs) و شرکت‌های نظامی خصوصی (PMCs)^{۲۳} مانند جی.۴ اس. (G4S) یا بلک واتر ساب. این بدین معناست که اکنون این بخش‌ها یک فعال تجاری جدید در مخاصمه مسلحانه هستند که غالباً مسلح هستند.^{۲۴} در چند سال گذشته با سند مونرئو در خصوص طرح‌های استاندارد بین‌المللی شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در مخاصمه مسلحانه مذاکره شده است. ابتکار اخیر دینفعان، قواعد بین‌المللی رفتاری برای ارائه‌دهندگان خصوصی امنیتی، روشن شدن استانداردهای بین‌المللی برای صنعت امنیتی خصوصی فعال در محیط‌های پیچیده به علاوه توسعه نظارت و مسولیت این شرکت‌ها را مورد هدف قرار داده است.^{۲۵}

تکامل اخیر در اخلاق تجارت

گفتمان اولیه در حوزه تجارت و مخاصمه با تجزیه و تحلیلی عمیقاً حاکی از بدگمانی از «شرکت‌های چند ملیتی بد بزرگ» تفوق داشت، که این شرکت‌ها برای بدست آوردن هرچیزی حاضر بودند و هرچیزی را که برای دست آوردن بدان احتیاج داشتند را پوشش می‌دادند. دیوید فیلد هاس، در ارزیابی مهم خود از اقتصادهای استعماری توضیح می‌دهد که چگونه شرکت‌های چند ملیتی و فراملی از اقتصادهای مارکسیست که آن را به عنوان ابزار اصلی می‌دیدند که در اطاعت اقتصاد استعماری، پیرامونی و پسا استعماری برای وابستگی به یک اقتصاد جهانی مرکزی به

²² Mary Anderson, Do No Harm: How Aid Can Support Peace or War, Lynne Reiner, Boulder, 1999; Conflict Sensitivity Consortium, Resource Pack on Conflict Sensitive Approaches to Development, Humanitarian Assistance and Peacebuilding, available at: <http://www.conflictsensitivity.org/publications/conflict-sensitiveapproaches-development-humanitarian-assistance-and-peacebuilding-res>.

²³ The Montreux Document on Pertinent Legal Obligations and Good Practices for States Related to Operations of Private Military Companies and Security Companies during Armed Conflict, 2009, available at: http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/icrc_002_0996.pdf.

²⁴ See company websites at: www.g4s.com; <http://www.aegisworld.com>; <http://www.academi.com>.

²⁵ For a detailed description of this Swiss-led initiative, see: http://www.icoc-psp.org/About_ICoC.html.

منظور وفق دادن منافع شخصی غرب شکل دادند، تأثیر بخصوص بدی گرفتند.^{۲۶} بنابر این نظریه‌های وابستگی، تمام شرکت‌های فراملی کوچک از کمپانی هند شرقی بریتانیا یا فاتحان اسپانیایی قدیمی، اندکی بهتر بودند و بسیاری هم هنوز خوشحال هستند که ارتش‌های خصوصی یا جایگزین خود را راه اندازی کنند. شل در نیجریه، لونهو در افریقای جنوبی، ریو تینتو در پایوا به عنوان مظهری از این شرکت‌های استثماری و غیرمسئول مورد توجه قرار گرفتند و هنوز هم از نظر برخی گروه‌های کمپینی مردم نهاد مانند شبکه معدن لندن اینگونه هستند.^{۲۷}

«چند ملیتی» اصطلاحی در محافل چپ گرا در طول بسیاری از دوره پسا استعماری شد که مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت. این امر در دهه ۱۹۹۰ زمانی که ورود مسولیت اجتماعی (CSR) و یک ارزیابی مجدد عمیق اخلاق تجاری در سراسر بسیاری از شرکت‌های جهانی، همکاری جدیدی میان سازمان‌های مردم نهاد و شرکت‌ها به ارمغان آورد، شروع به تغییر کرد.^{۲۸} در اواخر دهه نود، تجارت‌های بزرگ، شروع کردند به پاسخگویی سریع اخلاقی بدست منتقدان سازمان‌های مردم نهاد و قانون گذاران بازار سهام، همچنین به تجدید فعالیت‌های سابق سازمان‌های مردم نهاد برای راه اندازی زنجیره اجتماعی خود و تأمین آن اقدام کردند. سازمان‌های مردم نهادی مانند کرپ واچ ۱۹۹۶ دیده بانی از فعالیت شرکت خصوصی را آغاز کردند؛ موج جدید از بودجه‌ها که بر روی سرمایه گذاری مسولیت اجتماعی تمرکز داشت ظهور یافت (SRI). سازمان ملل موافقت جهانی خود را اعلام کرد (۱۹۹۹). بازارهای سهام شاخص خود را توسعه دادند، مانند شاخص‌های پایداری دیوید جونز در نیویورک (۱۹۹۹) و FTSE4Good لندن (۲۰۰۱). بسیاری از این‌ها بر روی مدل «خط پایین سه گانه» متعلق به مبتکر سازمان‌های مردم نهاد، جان آل کیتنگتون ایجاد شد، که در خواست می‌کرد که شرکت‌ها تأثیر خود را بر «مردم، سیاره، و سود» گزارش دهند.^{۲۹} همزمان، نظریه توسعه اصلی -در دولت و همچنین سازمان‌های مردم نهاد- نیز تغییر یافت تا کمتر چپ گرا و بیشتر حمایت گر سهم بخش تجاری برای توسعه بشر و امنیت بشر باشد. تعهدات حقوق بشر تجارت نیز برای موشکافی و شفافیت شکل گرفتند.^{۳۰} اوج این فرآیند پذیرش رسمی اصول راهنمای سازمان ملل بر تجارت و حقوق بشر توسط

²⁶ David Kenneth Fieldhouse, *The West and the Third World: Trade, Colonialism, Dependence and Development*, Blackwell, Oxford, 1999, Chapter 9.

²⁷ See, for example, London Mining Network, 'Rio Tinto: a shameful history of human and labour rights abuses and environmental degradation around the globe', available at: <http://londonminingnetwork.org/2010/04/rio-tinto-a-shameful-history-of-human-and-labour-rights-abuses-and-environmental-degradation-around-the-globe/>.

²⁸ John V. Mitchell, *Companies in a World of Conflict: NGOs, Sanctions and Corporate Responsibility*, Earthscan and Royal Institute for International Affairs, London, 1998, Editor's Overview, pp. 1-17.

²⁹ John Elkington, *The Triple Bottom Line for Twentieth Century Businesses*, in J. V. Mitchell, above note 26, Chapter 2.

³⁰ For an excellent summary of the evolution of human rights obligations on business actors before the Ruggie Process, see Andrew Clapham, *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, Oxford University Press, Oxford, 2006, Chapter 6 on corporations and human rights.

شورای حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ بود.^{۳۱} این اصول طی سالیان توسط پروفیسور جان روگیه هنگامی که وی نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در خصوص تجارت و حقوق بشر بود، با دقت آماده شدند.

تمام این توسعه‌ها بدین معنا است که مرز میان تجارت و نگرانی‌های حقوق بشردوستانه بیشتر پرخلل شده است. نمایندگی‌های بشردوستانه و تجارت با یکدیگر گفت و گو کرده‌اند و هر دو احترام به حقوق بشر را اظهار کردند، بطور فزاینده کارکنانی را مبادله کردند و رهیافت‌های مشارکتی مشترکی برای توسعه جامعه و استراتژی‌های کاهش مخاصمه در سطح میدان دارند.

درک تنوع تجارت

درست مانند بحث قبلی درباره تجارت و جنگ که تجارت به عنوان شرکت‌های بد و بزرگ کلیشه شده‌اند؛ اغلب بحث را به بخش مواد استخراجی نفت، مواد معدنی و الوار و تجارت اسلحه محدود کرده‌اند. بخش‌های دیگر تجاری نادیده گرفته شده‌اند. واقعیت این است که اکثریت بزرگی از فقرا و بیشتر غیرنظامیان جهان در مخاصمه مسلحانه عضو تجارت‌های کوچک بوده‌اند به همان اندازه مبهم مانده است. از زمانی که روابط میان شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های مردم نهاد کمتر متعارض شد، بحث‌های قابل استفاده‌ای میان انواع مختلف شرکت‌ها، بخش‌های مختلف و انواع روش‌های تجاری شکل گرفت.^{۳۲} این بحث‌های واقعی تر از تنوع تجارت، تنوع بیشتر تفکر در خصوص انواع مختلفی از تجارت تاثیرگذار بر و تأثیر پذیر از مخاصمه مسلحانه را فراهم نمود.

تجارت یکپارچه نیست. استفاده مناسب از واژه تجارت باید گروه بسیاری از اشکال مختلف تولید و مبادله در سطوح جامعه را پوشش دهد. فقط با نگاهی کلی به تمام انواع تجارت ممکن است درکی کامل از پویایی تجارت و مخاصمه بدست بیاید. تغییرات مهم میان تجارت‌ها توسط چندین عامل کلیدی مشخص شده است. این تفاوت باید توسط نمایندگی‌های بشردوستانه درک شود اگر که آن‌ها در پی بدست آوردن روابط بهتر کاری و دفاع با طیف گسترده تجارت کنونی در هر مخاصمه هستند.

[استفاده از] مقیاس تفاوت‌های سریع و قابل توجهی میان تجارت‌ها ایجاد می‌کند. این امر در مورد دسترسی به بازار نیز صادق است چراکه برخی تجارت‌ها محلی هستند، برخی ملی و برخی بین‌المللی. بخش‌ها نیز تنوعی میان تجارت‌ها ایجاد می‌کنند و تفاوت واقعی را میان بانکداری، خرده فروشی، معدن، خدمت، کشاورزی، تولید و تجارت ساخت و ساز شکل می‌دهند. در اقتصاد یک اجنگ داخلی تجارت یک معدن بزرگ و سودمند که مواد اولیه را با درخواست بالا در بازار بین‌المللی تولید می‌کند، احتمالاً برای یک نیروی مسلح از خرده فروشی زنجیره ای لباس در زمانی که مردم محلی برای کالاهای ضروری هم پول کمی دارند، راهبردی تر است. ارزش‌های تجاری نیز عامل مهم

³¹ UN Doc. A/HRC/17/31, Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing the United Nations 'Protect, Respect and Remedy' Framework, 21 March 2011, unanimously endorsed by the United Nations Human Rights Council on 16 June 2011.

³² Gilles Carbonnier, 'Private sector', in V. Chetail, above note 17, pp. 245–254.

تمایز هستند. برخی تجارت‌ها ارزش‌های اخلاقی بالایی را در خصوص رشوه، فساد، رفتار کارمندان، استانداردهای بالای بهره‌وری، خدمات خوب به مشتریان، مفهوم قوی آنچه که متشکل از خدمات و محصولات مسئول از نظر اخلاق است، دارند و برخی فاقد آن هستند.

همچنین تفاوت‌های مهم مالکیت وجود دارد. تجارت‌ها می‌توانند بصورت خصوصی به یک یا چند شخص خصوصی تعلق داشته باشند یا به طور عمومی به یک بازار سهام هزاران مایل دورتر تعلق گیرند. تجارت‌های دیگر می‌توانند روش تجارت دو جانبه یا تعاونی را اجرا کنند که در آن شرکت به تمامی اعضا و مشتریان تعلق دارد. بطور فزاینده‌ای، کارآفرینان اجتماعی در سلامت، بهداشت غذا و تأمین مالی به جای سازمان‌های مردم‌نهاد خیریه و نیز به عنوان کسب و کارهای اجتماعی تجارت می‌کنند. این اصطلاح توسط نوبل و مؤسس بانک گرامین ابداع شد. محمد یونس، شرکت‌هایی را توصیف می‌کند که عملیات‌های بازرگانی را به منظور پاسخگویی به نیازهای اجتماعی خاص و بازگشت تمامی سود به کسب و کار احداث کرده‌اند. برخی از تجارت‌های بزرگ جهان دولتی هستند بویژه در چین، آفریقا و آمریکای جنوبی.

روش تجارت یک کمپانی تفاوت اساسی دیگر میان تجارت‌ها است. شرکت‌های بزرگ معدن با سرمایه‌گذاری بالا مانند BHP Billiton یا Xstrata اغلب به عنوان تجارت‌های «در بند» توصیف می‌شوند. آن‌ها از نظر جغرافیایی درگیر منطقه کوچک که منافع طبیعی در آنجا واقع شده است، هستند. آن‌ها از لحاظ مالی، توسط چند میلیارد دلار در مقابل سرمایه مورد نیاز برای هر معدن منطقه به دام افتاده‌اند. آن‌ها همچنین، به دلیل ده‌ها سالی که اغلب با بازگشت قابل توجه در سرمایه‌گذاری تجارت‌های قابل استخراج با تکنولوژی بالا طول می‌کشد، در زمان به دام افتاده‌اند. روش تجاری شرکت‌های معدنی درآمد‌های بسیار بالایی را ایجاد می‌کند، اما نسبتاً استخدام بسیار پایینی دارند. در مقابل، شرکت‌های نوشیدنی‌های غیرالکلی و دم کرده، می‌توانند نسبتاً در برابر سرمایه‌گذاری یا استخدام و یا قادر ساختن یک شبکه بازاریابی از صدها هزار نفر که محصولاتش را در سراسر کشور می‌فروشند، آشکار باشد. این امر به آن‌ها دسترسی واقعی به نفع فقرا در سراسر انتهای هرم (BCP) - گسترده‌ترین و فقیرترین بخش جمعیت - را در بسیاری از کشورها می‌دهد. برخی بخش‌ها مانند بانکداری، استخراج معدن با یک تجارت نسبتاً بزرگ پیشرفت می‌کند. شمش برای ورود بازار بوسيله سرمایه‌گذاری بسیار بالا تنظیم شده است. دیگران، مانند ساخت و ساز، کشاورزی، خرده‌فروشی، شامل هزاران چیز خرد برای شرکت‌های متوسط می‌شوند. برخی روش‌های تجاری فصلی هستند. برخی وابسته به صادرات مانند، محصولات نقدی و برخی وابسته به واردات هستند مانند، توریست که مشتریان را باید از خارج جذب کند.

برخی از تجارت‌ها در جنگ بسیار با سازوکار و حتی عمیقاً نوآورانه هستند. بطور مثال، در بسیاری از جنگ‌ها بخش‌های دارایی، هتل و بازار رستوران زمانی که آن‌ها با اجاره به سازمان‌های کمک‌های بین‌المللی هماهنگ شدند، گسترش یافت. زمانی که توریسم بین‌المللی سیاحت اکتشافی در آفریقا به دلیل مخصصه در زیمبابوه نبود شد، چندین شرکت توریستی محلی برای ارائه حمایت تدارکاتی و اداری به سازمان‌های بین‌المللی خود را هماهنگ

نمودند. یکی از معروف‌ترین بارهای شکلات سوئیس- راگوسا- نتیجه نوآوری اقتصادی در زمان جنگ است. زمانی که تأمین شکلات در زمان جنگ اروپا بشدت کمیاب شد، کمیل بلوش، در فندق به جای شکلات سرمایه گذاری کرد و محصول را با آن تزیین نمود که منجر به نام تجاری برجسته‌اش شد.^{۳۳}

یکی از تفاوت‌های مهم در هر تجزیه و تحلیل تجاری، تفاوت میان بخش‌های رسمی و غیر رسمی است. تمام اقتصادهای ضعیف و متأثر از جنگ بطور ویژه بخشی بزرگ و غیررسمی دارند. بخش رسمی پرداخت مالیات و قانون تنظیم شده توسط دولت است. بخش غیر رسمی چنین نیست. سازمان‌های بشردوستانه و مردم نهاد اغلب با بخش غیر رسمی کار می‌کنند. در یک مخاصمه مسلحانه هر خانواده فقیر یک نوع از کسب و کار خانواده است که به شدت در پی یافتن مشتریان برای کار و محصولات است و اعضای بزرگ و کوچک خانواده هر روز تلاش می‌کنند و برای حفظ و یا بازیافتن دارایشان می‌جنگند. آنچه که اغلب به عنوان «برنامه ریزی معیشت» یا «حمایت اقتصادی» در فعالیت بشردوستانه اشاره شده است واقعاً حمایت برای کسب و کارهای خانواده است.

شش نقش اصلی تجارت در جنگ:

تاکید شدید بر اقتصاد به عنوان انگیزه بالقوه مخاصمه مسلحانه و خشونت و تمرکز بیش از حد بر نقش بالقوه تجارت در جنگ به عنوان یک علت، یا مجرم و سایر نقش‌هایی که تجارت در جنگ به عنوان قربانی، تأمین کننده، بازیگر بشردوستانه، سازنده صلح و ممانعت کننده از جنگ بازی می‌کند را مبهم کرده است. در کنار درک از انواع مختلف تجارت در مخاصمه مسلحانه، فعالان حقوق بشردوستانه نیز به داشتن یک درک متفاوت از نقش‌های مختلفی که تجارت می‌تواند در جنگ بازی کند، نیاز دارند. این نقش‌ها می‌تواند به آسانی، به شش بخش اصلی که در ذیل اشاره شده است تقسیم شوند:

تجارت به عنوان مرتکب

عامل بالقوه برای تجارت به عنوان اینکه مرتکبین نقض‌ها در مخاصمه مسلحانه باشند به خوبی در حقوق بین الملل بشردوستانه شناخته شده است. این ساختار حقوقی نقض‌هایی را که ممکن است در طول مخاصمه مسلحانه رخ دهد توضیح داده است. در ارتباط با تجارت، این امور می‌توانند شامل غارت، تولید سلاح غیرقانونی، استفاده از کارگران اجباری و نقض غیرقانونی توسط شبه نظامیان مستخدم شرکت یا تبانی با نیروهای دولتی یا غیر دولتی شود. شرکت ممکن است این جرائم را بطور مستقیم یا با مشارکت دیگران که مرتکب آن شدند، مرتکب شود.^{۳۴}

³³ See Ragusa, 'Historique du produit', available at: <http://www.ragusa.ch/fr/historique-du-produit.html>.

³⁴ For a comprehensive discussion of corporate complicity in war crimes, see International Commission of Jurists, Report of the Expert Legal Panel on Corporate Complicity in International Crime, Geneva, 2010; and Salil Triparthi, 'Business in armed conflict zones: how to avoid complicity and comply with international standards', Institute for Human Rights and Business,

مورد تاریخی از ارتکاب جرم جنگی از جنگ جهانی دوم این مورد است که فاربن (I. G. Farben)، شرکت شیمیایی آلمانی با مسئولان نازی در نقشه‌ریزی پذیرش کارخانه شیمیایی در کشورهای اشغالی نازی همکاری داشت و همچنین حق انحصاری تأمین زیکلون ب- گاز مورد استفاده در اردوگاه‌های مرگ نازی - برای مسئولان نازی را داشت.^{۳۵} بانک‌های سوئیس، آلمان و ترکیه به مشارکت در معامله «طلای نازی» شناخته می‌شدند که جنگ آلمان‌ها را حمایت می‌کرد و اغلب از طریق جنایات جنگی و خشونت‌ها بدست آورده می‌شد. «دندان طلا» و جواهر قربانیان هولوکاست تبدیل به شمش‌های طلا شد و میله‌های طلا از بانک‌ها و اشخاص در کشورهای اشغالی نازی دزدیده شد.^{۳۶}

اخیراً، فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد به منظور تضمین سوابق جدید در خصوص جرائم شخصیت حقوقی در جنگ تعیین شده‌اند. یکی از تلاش‌های سطح بالای آن‌ها علیه مین گذاری انویل (Anvil) در جمهوری دموکرات کنگو در کیلوا بود. کارکنان انویل، در دادگاه کیفری کنگو بی گناه شناخته شدند، دادگاه حکم داد وسیله ناقل انویل، توسط نیروها مصادره شوند، پرونده توسط فعالان حقوق بشر به دادگاه عالی کبک در یک فعالیت گروهی برده شد که بر مبنای عدم صلاحیت رد شد و اکنون به دادگاه عالی کانادایی برای تجدید نظر تسلیم شده است.^{۳۷} با این حال، تحقیقات شاهدان جهانی در ابتدای سال ۲۰۰۶ در پرونده تاجر هلندی موفقیت آمیز بود؛ کسی که توسط دادگاه به دلیل شکستن تحریم‌های سازمان ملل در لیبریا به هشت سال زندان محکوم شده بود.^{۳۸}

تجارت به عنوان قربانی

Geneva, 2010, both available at: <http://www.business-humanrights.org/ConflictPeacePortal/Issue/Complicity>.

³⁵ Peter Hayes, *Industry and Ideology: I. G. Farben in the Nazi Era* (2nd edn), Cambridge University Press, Cambridge, 2000. For the original judgment, see *US v. Carl Krauch et al. (I.G.Farben)*, US Military Tribunal sitting at Nuremberg, 30 July 1948, in *Trials of War Criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No.10*, Vol. VIII, 1952, pp. 1081-1210.

³⁶ Jonathan Steinberg, *The Deutsche Bank and its Gold Transactions During the Second World War*, C. H. Beck, Munich, 1999.

³⁷ Global Witness, 'Congolese victims' pursuit of justice against Canadian company goes to Supreme Court', 26 March 2012, available at: <http://www.globalwitness.org/library/congolese-victims%E2%80%99-pursuitjustice-against-canadian-company-goes-supreme-court>.

³⁸ Global Witness, 'Arms dealer and timber trader Guus Kouwenhoven found guilty of breaking a UN arms embargo', 7 June 2006, available at: <http://www.globalwitness.org/fr/node/3569>. Both Kouwenhoven and the Prosecution appealed the sentence, and in 2008 the Appeals Court acquitted him on all charges (and he was freed). The Prosecution appealed again, and in 2010 the Supreme Court returned the case for retrial. It is to be seen whether the recently rendered judgment against Charles Taylor by the Special Court for Sierra Leone will have any influence on the final judgment in this case.

تجارت‌ها اغلب به عنوان قربانیان مخاصمه مسلحانه هستند تا مرتکبان آن. از آنجا که اهداف غیرنظامی دارای کارکنان غیرنظامیان هستند آن‌ها مشکلات زیادی را تحمل می‌کنند. در هر مخاصمه مسلحانه تجارت‌های بزرگ و اس. ام. ای.ای. مورد حمله قرار می‌گیرند و غارت می‌شوند، کارمندان آن ممکن است زخمی یا کشته شوند و مورد تجاوز قرار گیرند، آن‌ها ممکن است مورد تبعیض واقع شوند، و سریع منفصل شوند و نیروی کار جدید مورد علاقه دشمن جایگزین شود. تاسیسات کسب و کار از همه انواع، از جمله غرفه‌های کوچک بازار، انبارهای شرکت و کارخانه‌های بزرگ اغلب در مخاصمه مسلحانه ویران می‌شوند. این نوع از آسیب جنگ با محدودیت‌هایی بر دسترسی به بازار، اعتبار، مبادلات خارجی ترکیب می‌شود. زنجیره‌های عرضه و اغلب نتایج ورشکستگی به طور چشمگیری یا کاهش عملیاتی است که به معنای درآمد از دست رفته است یا کاهش دستمزد و افزایش بیکاری است.

تجارت به عنوان تأمین کننده

زمانی که تجارت‌ها در جنگ زنده‌اند، اغلب به عنوان تأمین کننده کالاها و خدماتی که برای جنگ حیاتی هستند و برای زنده ماندن غیرنظامیان ضروری است، پیشرفت می‌کنند. شرکت‌های اسلحه، شرکت‌های ساخت و ساز، شرکت‌های غذایی و بانک‌ها به هرگونه توانایی در تلاش جنگی برای تغذیه کردن، پرداختن و تجهیز کردن نیروهای آن حساس هستند. به همان اندازه، بسیاری از تجارت‌های بزرگ و کوچک بازارهایی که برای بقا جمعیت غیرنظامی ضروری است را تقویت کردند. نانواپی‌ها، نان را در گردش نگه داشتند، بازرگانان عمده و تولیدکنندگان محلی کوچک و خرده فروشان طیف گسترده‌ای از مواد غذایی در دسترس را حفظ کردند. این تجارت‌ها برای جمعیت غیرنظامی در معرض خطر، منابع اقتصادی اولیه‌ی ضروری هستند. اهمیت آن‌ها، هم اکنون، توسط سازمان‌های بشردوستانه برنامه نویسی مبتنی بر بازار نقل و انتقال نقدی و کسب درآمد که توسط همکاری آموزشی توصیه شده، بطور گسترده شناخته شده است.³⁹ خرید محلی اکثراً گزینه ترجیحی برای فعالیت بشردوستانه است، بطوری که تجارت‌های محلی دائماً تأمین کننده اصلی برای سازمان‌های بشردوستانه شده‌اند که از بقا غیرنظامیان حمایت می‌کنند. تجارت‌های محلی ناوگان حمل‌ونقل را راه انداختند و خشکبار،⁴⁰ کیسه‌های پلاستیکی و داروهای کلی را برای کمک‌های بشردوستانه تولید کردند.

تجارت به عنوان فعال بشردوستانه

³⁹ The Cash Learning Partnership is an association of agencies encouraging best practice in cash-based responses, see: <http://www.cashlearning.org/english/home>.

⁴⁰ Plumpy'nut is a widely used emergency food relief item, see: <http://www.nutriset.fr/en/product-range/produit-par-produit/plumpy-nut-ready-to-use-therapeutic-food-rutf.html>

در طول جنگ، تجارت‌ها بیش از تنها یک تأمین کننده تجاری سازمان‌های بشردوستانه عمل می‌کنند. آن‌ها فعالان مستقیم بشردوستانه می‌شوند و عملیات‌هایی که جمعیت غیرنظامی را حمایت و کمک می‌کند، هدایت می‌کنند، نمونه حمایت تجارت از غیرنظامیان در ماجرای اسکار شیندلر (Oscar Schindler) است، روزنامه نگار آلمانی، کسی که ۱۱۰۰ نفر یهودی را در زمان هولوکاست با استخدام آن‌ها در کارخانه‌های اسلحه و ظرف خود نجات داد و هویت یهودی آن‌ها را از مقامات نازی پنهان کرد. اگرچه طبق تحقیقات، بسیاری از تجارت‌ها یک داستان خاص کمک و حمایت از کارکنان خود، خانواده‌های آن‌ها و جمعیت محلی در زمان جنگ را دارند. به عنوان مثال، در تاریخ اخیر زیمباوه از مخاصمات خشونت آمیز سیاسی و بحران اقتصادی، بسیاری از زیمباوه‌ای‌ها و شرکت‌های بین‌المللی نقش بشردوستانه اساسی را بازی کردند. آن‌ها به کارکنان خود سبدهای غذایی و کالاهای اساسی می‌دادند و زمانی که تورم شایع بطور فزاینده پول را بی ارزش می‌کرد به آن‌ها اطمینان می‌دادند که حقوق بازنشستگی و سیاست‌های بیمه عمر در بهترین راه ممکن محترم شمرده می‌شود، حتی زمانی که آن‌ها زبان‌های قابل توجهی در هر سال متحمل می‌شوند، چندین بانک چند ملیتی و کمپانی‌های معدن مانند بارلیز و ریوتینتو، این روش را ادامه دادند. این تا حدی برای بدست آوردن یک جایگاه بازاری مثبت برای دورانی که زمان مناسب باز می‌گردد یک راهبرد است. اما این کمک‌ها نیز مسلم بود، چرا که مدیران واقعاً احساس کردند که آن‌ها نمی‌توانند کارکنان و خانواده‌هایشان را که نسبت به آن‌ها یک وظیفه اخلاقی داشتند، رها کنند.^{۴۱}

در حالی که این نوع از فعالیت بشردوستانه غیررسمی خوب ثبت نشده‌اند، تعهدات راهبردی گسترده برای فعالیت‌های بشردوستانه توسط شرکت‌های بزرگ بطور فزاینده‌ای معمول گشته است. بسیاری از شرکت‌ها، با نهادها (سازمان ملل متحد و سازمان‌های مردم نهاد که قدرت نفوذ تخصص‌های آن‌ها در جنگ و فجایع بود) مشارکت بشردوستانه عملی را شکل دادند. مشارکت تدارکاتی پست هلند با سازمان ملل و همکاری زیمنس با فدارسیون بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر و ارتباط موتورولا با مراقبت بین المللی سه نمونه از چنین مشارکت‌های بشردوستانه تجارت است.^{۴۲}

تجارت به عنوان صلح‌ساز

پنجمین نقش سازنده اصلی تجارت در مخاصمه که اکنون به روشی در سیاست‌های بین المللی شناخته شده است، همکاری و کمکی است که رهبران تجاری و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها می‌تواند در ساختن صلح و ترمیم اقتصاد پس از جنگ ایفا کند. بازاریابی رهبران تجاری و تجارت شبکه در هرطرف یک مخاصمه گاه می‌تواند نقش یک پل زدن

⁴¹ Field research carried out by the author in Zimbabwe in 2008–2009.

⁴² See Andrea Binder and Jan Martin Witte, *Business Engagement in Humanitarian Relief: Key Trends and Policy Implications*, HPG Background Paper, ODI, London, 2007.

ضروری در ساختن صلح را بازی کند. صلح سوئیس (SwissPeace) تحقیقی داشته است که چگونه تجار در مراحل اولیه مذاکرات صلح میان طرف‌های جنگ در آفریقای جنوبی، قبرس، سریلانکا و نپال میانجیگری کردند.^{۴۳}

بیش از مذاکرات به تنهایی، پول زیاد می‌تواند یک منطق طرفدار صلح ایجاد کند. استفاده از منطق تجارت برد-برد برای ایجاد اهداف فوق العاده بلند حدود بهره‌وری اقتصادی از توافق بین‌المللی برای شکل دادن به شروع اتحادیه اروپا کمک کرد. سرمایه‌گذاری‌های پس از جنگ توسط سرمایه‌گذاران ثروتمند خارج از وطن یا صاحبان سهام و صندوق‌های تأمین خصوصی در جستجوی سود سرمایه‌گذاران پیش‌گام در سیرالئون، لیبریا، سودان جنوبی و انگولا، صربستان، سرزمین سومالی و کرواسی در بازیابی حرکت اقتصاد و شکل‌گیری گرایشی قوی به صلح در این کشورها، در ظهور آن‌ها پس از جنگ داخلی، کمک کرده است. یک مثال موناکوپ است. یک گروه عدالت خواه خصوصی در جنوب آفریقا، که توسط دو فرد که قبلاً در مقام‌های بشردوستانه در سیرالئون برای برنامه توسعه ملل متحد کار می‌کردند، شکل گرفت.^{۴۴}

تجارت و پیشگیری از مخاصمه

در زمان‌های صلح، شرکت‌ها می‌توانند با فعالیت برای جلوگیری از مخاصمه شدید نقش اصلی دیگری بازی کنند. به عنوان بخشی از حرکت آن‌ها به سمت شهروند حقوقی دارای مسئولیت اجتماعی و تجارت اخلاقی، بسیاری از تجارت‌های ملی و بین‌المللی برای محدود کردن خطرات ناشی از تشدید مخاصمه در فعالیت‌های بازرگانی خود تلاش کرده‌اند. مانند سازمان‌های بشردوستانه آن‌ها نیز برای آسیب نرساندن و کاهش خطر مخاصمه بسیار تلاش می‌کنند.

یک تجارت اخلاقی خوب، امروزه بدین معنا است که اطمینان یابد که شرکتش دلیل و حامی مخاصمه مسلحانه و ناقض حقوق بشر در هر بخشی از فعالیت‌هایش نیست: در طول زنجیره تأمین خود و در سیاست‌های استخدام خود، در شرایط کاری خود، در روشی که با جمعیت محلی رفتار می‌کند و در روشی که محافظان و نیروهای امنیتی برای حفاظت از تاسیساتش استفاده می‌کنند. پیشگیری مخاصمه در این نوع تجارت خوب، اخلاقی است و این نیز آشکارا برای تجارت خوب است. شرکت‌ها در برابر بی‌ثباتی سیاسی در محیط‌های عملیاتی خود و جلوگیری از آسیب

⁴³ Andrea Iff, Damiano Sguaitamatti, Rina M. Alluri and Daniel Kohler, Money Makers as Peace Makers? Business Actors in Mediation Processes, Working Paper Series No. 2, SwissPeace, Bern, 2010.

⁴⁴ See Manocap's website at: <http://manocap.com/>

فاجعه بار به اعتبار خود که می‌تواند یک شبه رخ دهد، به محافظت نیاز دارند. این پیوند منافع تجاری و اخلاق یک خرسندی است که در حال حاضر به خوبی توسط بسیاری از شرکت‌ها به رسمیت شناخته شده است.^{۴۵}

اکنون گستره وسیعی از استانداردهای صنعتی بین‌المللی برای تمامی بخش‌های اصلی تجارت وجود دارد، از جمله مواد قابل استخراج، تولید، بانکداری و توریسم که مسیر راهنمایی را برای فعالیت مناسب در جلوگیری و کاهش مخاصمه تنظیم کرده است.^{۴۶} اصول راهنمای سازمان ملل در خصوص تجارت و حقوق بشر جامع‌ترین چارچوب به‌روز بین‌المللی را ارائه داده تا تضمین نماید که بر تمامی تجارت‌ها، «تلاش مناسب برای حقوق بشر» در تمام انواع فعالیت‌های تجاری آن‌ها اعمال می‌شود تا از نقض حقوق بشر مربوط به تجارت جلوگیری کنند یا آن را جبران نمایند.^{۴۷}

بسیاری از شرکت‌های استخراج مانند ریو تینتو، آنگلو آمریکن، بی. ای. پی. بیلیتون، نیومونت و باریک اخیراً تئوری و عمل حل مخاصمه، استقرار صلح و نظارت حقوق بشر را در تلاش‌های خود برای رسیدن به روابط عادلانه و صلح آمیز با جوامع محلی در سراسر معادن خود اتخاذ کرده‌اند. برخی از پیشرفته‌ترین نمونه‌های این کار توسط ریوتینتو در استرالیا بوده است.^{۴۸} تنها با آگاه بودن از این که استخراج معدن پتانسیل جرقه مخاصمه مسلحانه در کشورهایمانند گینه نو و پرو را حفظ می‌کند، ریو تینتو هم اکنون برای اعمال مساله حل مخاصمه در موقعیت‌های پیچیده تر برخلاف تاریخ بسیار مؤخر مخاصمه تلاش می‌کند.

این اتخاذ روش‌های حل مخاصمه، صریحاً توسط تعدادی از سازمان‌های مردم نهاد صلح، مانند هشدار بین‌الملل (International Alert) مورد تشویق قرار گرفته است، که آن‌ها مشتاق بودند تا نقش بالقوه مثبت تجارت‌های مسئول که می‌توانند در کاهش تنش‌ها و ایجاد صلح بازی کنند، نشان دهند.^{۴۹} لوک زاندولیت و ماری اندروسون، تجربه بشردوستانه خود را در خصوص برنامه ریزی آسیب نرساندن بکار بردند تا یک متن عملی جدید در خصوص کاهش مخاصمه و استقرار صلح را برای بخش تجاری که هم اکنون توسط کمپانی‌های معدن بطور گسترده استفاده

⁴⁵ Havina Dashwood, *The Rise of Global Corporate Responsibility: Mining and the Spread of Global Norms*, Cambridge University Press, Cambridge, 2012.

⁴⁶ Many of these, including the Voluntary Principles on Security and Human Rights, are available at the Business and Human Rights Resource Centre: <http://www.business-humanrights.org/ToolsGuidancePortal/Issues/Securityissuesconflictzones>. See also, the best practice community relations guidance notes of the International Council on Mining and Minerals (ICMM), available at: <http://www.icmm.com/social-and-economic-development>; and IPIECA (the oil and gas industry association for environmental and social issues) guidelines, available at: http://www.ipieca.org/library?tid%5B%5D=7&language=All&date_filter%5Bvalue%5D%5Byear%5D=&keys=&x=27&y=9.

⁴⁷ See above note 29.

⁴⁸ Bruce Harvey and Simon Nish, 'Rio Tinto and indigenous agreement making in Australia', in *Journal of Energy and Natural Resource Law*, Vol. 23, No. 4, 2005, pp. 499–510, University of Dundee.

⁴⁹ International Alert, *Conflict-Sensitive Business Practice: Guidance for the Extractive Industries*, London, March 2005.

می‌شود، تحقیق کنند و بنویسند.^{۵۰} تظاهرات اخیر گروه‌ها و مرگ و میر در پرو و آفریقای جنوبی نشان می‌دهد که موفقیت هنوز هم در برخی از راه‌ها خاموش است و نشان می‌دهد که معدن هنوز می‌تواند به عنوان دلیل اصلی مخاصمه در قرن بیست و یکم پدیدار گردد.^{۵۱}

تبدیل تجارت به یک بخش طبیعی از اقدام بشردوستانه

سازمان‌های بشردوستانه اغلب ثابت کرده‌اند در روابط خود با فعالان مختلف در مخاصمه مسلحانه خلاق و قابل تطبیق هستند. امید است که درک غنی تر و متنوع تر از بسیاری از نقش‌ها و منافع کسب و کار در مخاصمه مسلحانه به پیشرفت‌های جدید در روابط سازمان بشردوستانه با تجارت منجر گردد. از مشارکت فعال سازمان‌های بشردوستانه با تجار در نقش‌های مختلف آن‌ها در مخاصمه مسلحانه می‌توان ورود برخی خلاقیت‌های مهم در مجموعه فعالیت‌های بشردوستانه را انتظار داشت. به منظور آن که این اتفاق رخ دهد، بشردوستان نیاز خواهند داشت تا با تجار در تمام سطوح – اندازه کوچک، متوسط و تجارت بزرگ – به عنوان طرف‌های درونی مداوم یک مخاصمه مسلحانه مشارکت کنند.

در عین حال، چهار حوزه اصلی سیاست بشردوستانه به نظر برای ارائه پربارترین فرصت‌ها در جهت تعامل بشردوستانه بیشتر با جامعه تجارت است.

تجارت و حقوق بشردوستانه:

ارتباط بیشتر با تجارت در تمامی سطوح لازم است تا بخش مهمی از انتشار وسیع حقوق و اصول بین‌الملل بشردوستانه شود. اطلاعات و کمپین حمایت در سطوح ملی و بین‌المللی می‌توانند به شکلی مفید جوامع مختلف تجارت از طریق اتاق‌های بازرگانی محلی، اتحادیه‌های صنعت، گروه‌های صنعتی با بهترین عملکرد، مبادلات سهام، اتحادیه بازرگانی و تجارت مطبوعاتی گسترده و بخش رسانه را مورد هدف قرار دهند. حمایت بشردوستانه که تجارت را مورد هدف قرار داده است بیشتر قادر خواهد بود تجار را به درکی بسیار واضح تر از حقوق و تعهدات آن‌ها تحت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه وادار کند. آن‌ها احساس خوبی از پیگیری خواهند داشت، آن‌ها می‌توانند به عنوان مرتکبین منتظر باشند؛ می‌توانند حمایت و پشتیبانی بشردوستانه را به عنوان قربانی توقع داشته باشند و نقشی که آن‌ها می‌توانند به عنوان فعالان بشردوستانه بازی کنند.

⁵⁰ Luc Zandvliet and Mary B. Anderson, *Getting it Right: Making Corporate-Community Relations Work*, Greenleaf Publishing, Sheffield, 2009.

⁵¹ In August 2012, thirty-four people were killed at Lonmin's South African mine, see: <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-19292909>; and more than twenty people have been killed in Peru's recent mining disputes, see: <http://www.bbc.co.uk/news/world-latin-america-19669760>.

وکالت تجارتِ قربانی شده

ارزیابی نیازهای بشردوستانه می‌تواند بطور مفید جزئیات بیشتری را درباره آسیب به بازارها و تجارت خاص در طول مخاصمه مسلحانه تعیین کند و گزارش دهد. آگاهی بیشتر بین‌المللی از تلفات دقیق تجارت- منابع طبیعی، کارخانه‌ها، دارایی‌ها، بازارها و دفاتر از بین رفته و کارکنان کشته شده یا انتقال بیکاری- به جلب نظر برای اهمیت زیان‌های تجاری برای جمعیت غیرنظامی کمک خواهد کرد و حمایت از کسب و کارها تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشویق خواهد کرد.

حمایت از تداوم تجارت

کمک بشردوستانه می‌تواند راهی خلاقانه از برنامه ریزی حمایتی ارائه کند که از تداوم مثبت تجارت در طول مخاصمه حمایت کند. اشکال جدید کمک بشردوستانه لازم است گسترش یابد تا بقای تجارت تأمین کننده حیاتی و کارفرمایان مهم را حمایت کند و می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر موقعیت جمعیت غیرنظامی بزرگ، داشته باشد. این کار می‌تواند تمرکز خاصی بر SME ها و سطح میانه مخاطره (یا سطح مزو^{۵۲}) در اقتصاد متأثر از مخاصمه داشته باشد.

یکی از بهترین راه‌ها برای حمایت از بخشی از یک جامعه جنگ زده ممکن است حمایت از کسب و کارهای آن‌ها در برابر امکان رفتن به سمت ورشکستگی باشد. پروژه حمایت اعتباری، حفاظت دارایی، دسترسی به بازار، پشتیبانی از ارز، ذخیره مجدد و انباشت، که بطور مؤثر در سطح خرد با خرده مالکان و معامله گران استفاده شده است، می‌تواند بطور مفید افزایش یابد تا تجارت‌های کوچک استخدام کننده و تأمین کننده غیرنظامیان آسیب پذیر در سطح مزو را حفظ کند. آزادی کسب و کار در این سطح می‌تواند بطور موقت شامل خرید دارایی‌ها برای حفظ آن‌ها بصورت مواد یا جلوگیری از بفروش رسیدن آن‌ها به دلان گروهی با قیمت سطح پایین، شود. این می‌تواند به معنای قادر ساختن مبادلات ارز خارجی برای تجارت وابسته به واردات برای مواد غذایی و ماشین آلات باشد. این نوع از آزادی تجاری می‌تواند به حفظ استقلال و عرضه محصولات نجات دهنده زندگی در سراسر سطح میانه‌ی به اصطلاح از دست رفته در بسیاری از جوامع فقیر و متأثر از جنگ کمک کند.^{۵۳}

⁵² -meso level.

⁵³ Nancy Birdsall, 'Do no harm: aid, weak institutions and the missing middle in Africa', Working Paper 113, Centre for Global Development, 3 August 2007, available at: <http://www.cgdev.org/publication/do-noharm-aid-weak-institutions-and-missing-middle-africa-working-paper-113> (last visited 18 April 2013).

تمامی این انواع مختلف از آزادی تجاری ممکن است یک ارزش واقعی برای هدف بسیار متعارف فرد از جمعیت غیرنظامی اضافه کند و تجارت بر مبنای نوآوری‌های منحصر به فرد در فعالیت بشردوستانه را تشویق کند. حمایت مداوم تجارت می‌تواند بخش مهمی از راهبردهای انعطاف پذیرتر در جنگ و پس از آن باشد.

دخیل کردن تجار

بسیاری از سازمان‌های بشردوستانه به روز اغلب به عنوان تأمین کنندگان مالی- نقدی یا غیرنقدی درگیر شده‌اند. این ایده ساده از آن‌ها به عنوان اهدا کنندگان سهمی را که آن‌ها می‌توانند در برنامه ریزی بشردوستانه ایجاد کنند، محدود می‌کند و همچنین مفهوم تجارت‌ها به عنوان قربانی در این زمینه را مبهم می‌کند. مشارکت و درگیری بهتر تجار محلی در زمینه ارزیابی و برنامه ریزی نیازهای بشردوستانه به ارائه‌ی ک تصویر کامل از اقتصاد جنگی، اثر مخرب آن بر غیرنظامیان و عامل بالقوه آن برای تجدید یا سازگاری برای زنده ماندن در یک مخاصمه شدی، کمک خواهد کرد.

تجارت به عنوان یک سهامدار جدید بشردوستانه

چشم انداز مشارکت با تمام یک مجموعه جدید از سهامداران تجارت و طرفین جنگ برای یک اجتماع بشردوستانه که در حال حاضر بسیط و آزموده شده توسط بسیاری از دستورات برنامه ریزی در مخاصمات مسلحانه احساس شده است، ممکن است بنظر سهل برسد. به علاوه، مشارکت فعال با تجارت ممکن است زمانی که بشردوستان به اندازه کافی برای همکاری در یک روش اصولی با دو جامعه دیگر که بطور بالقوه از نظر اخلاقی مبهم هستند: مقامات سیاسی و نیروهای مسلح، مبارزه کرده‌اند، غیرعاقلانه برسد. اما مخاصمات مسلحانه، اکثراً همه را متأثر می‌کند و هیات اعزامی بشردوستانه برای کمک و حمایت بی طرفانه باید انتظار درگیر شدن هر نوع از ذینفعان را داشته باشند. همانطور که در بالا توضیح داده شد، فعالان و محققان بشردوستانه ارتباطات مهمی میان تجارت و مخاصمه مسلحانه در دو دهه اخیر یافته‌اند. این بدین معناست که از این دانش در منافع جمعیت غیرنظمی و همانطور که تجار خواهند گفت، ارزش قدرت نفوذ، استفاده می‌کنند.